

«اسماعیل صادق الوعد» کیست؟

مهدی یاقوتیان

«واذکر فی الكتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد»

(مریم، ۵۴/۱۹)

مفسران در این زمینه دو نظر بیان کرده‌اند، گروهی او را اسماعیل فرزند ابراهیم خلیل دانسته‌اند و برخی بر مبنای پاره‌ای روایات، اسماعیل پسر حزقیل.

برای شروع بحث، نگاهی به نام‌های پیامبران در قرآن می‌اندازیم:

صاحب‌الایقان، نام‌های پیامبران را در قرآن ۲۵ نفر دانسته است، او می‌نویسد: «در

قرآن از نام‌های پیامبران و مرسلین بیست و پنج نام هست که مشاهیر آنها می‌باشند:

۱. آدم . ۲. نوح . ۳. ادریس . ۴. ابراهیم . ۵. اسماعیل . ۶. اسحاق . ۷. یعقوب . ۸. یوسف . ۹. لوط . ۱۰. هود . ۱۱. صالح . ۱۲. شعیب . ۱۳. موسی . ۱۴. هارون . ۱۵. داود . ۱۶. سلیمان . ۱۷. ایوب . ۱۸. ذوالکفل . ۱۹. یونس . ۲۰. الیاس . ۲۱. الیسع . ۲۲. زکریا . ۲۳. یحیی . ۲۴. عیسی . ۲۵. محمد ﷺ

اما صاحب المیزان براین تعداد یک نفر افزوده و نام انبیا را در قرآن ۲۶ نفر دانسته است. وی با اندکی اختلاف در ترتیب یاد شده، بین نام یحیی و عیسی علیهم السلام از «اسماعیل صادق الوعد» یاد کرده است.^۲

ایشان ذیل آیه «واذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد» (مریم، ۵۴/۱۹) می نویسد: مفسران در اینکه این اسماعیل کیست، اختلاف کرده اند:

الف) بیشتر گفته اند: فرزند ابراهیم خلیل الرحمان است و اگر او را تنها نام برده و از اسحاق و یعقوب نام نبرده برای این بوده که به خصوص نسبت به او عنایت داشته است.

ب) بعضی گفته اند: اسماعیل بن حزقیل یکی از انبیای بنی اسرائیل است، چون اگر فرزند ابراهیم بود، می بایست اسحاق و یعقوب را هم نام می برد.

علامه در ادامه می افزاید: دلیلی که بیشتر مفسران برای نظریه خود آوردند که (به خصوص اسماعیل عنایت داشته) حرف صحیحی نیست، زیرا اگر چنین بود جاداشت که نام وی را بعد از نام ابراهیم و قبل از داستان موسی ذکر کند، نه بعد از داستان او.^۳

در اینجا این پرسش رخ می نماید که، به فرض اینکه نسبت به اسماعیل عنایت خاصی هم داشته باشد چه دلیلی دارد که به جهت این عنایت حتماً نام او را بعد از نام ابراهیم ذکر کند؟

نکاتی که نشان می دهد اسماعیل یاد شده در آیه ۵۴ سوره مریم فرزند ابراهیم است، به قرار ذیل است:

۱. به صرف اینکه نام اسماعیل در کنار نام ابراهیم نیامده، نمی توان نتیجه گرفت که در این مورد اسماعیل فرزند ابراهیم نیست.

در آیات ذیل نیز نام اسماعیل در کنار نام ابراهیم ذکر نشده است.

ابراهیم، اسحق، یعقوب، موسی، هارون، اسماعیل، ادریس، آدم، نوح، ابراهیم، اسرائیل. (مریم، ۴۶/۱۹-۵۸)

ابراهیم، اسحق، یعقوب، نوح، داود، سلیمان، ایوب، یوسف، موسی، هارون، زکریا، یحیی، عیسی، الیاس، اسماعیل، الیسع، یونس، لوط. (انعام، ۷۴/۶-۸۶)

موسی، هارون، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، لوط، نوح، داود، سلیمان،

سلیمان، داود، سلیمان، ایوب، اسماعیل، ادريس، ذالكفل، ذالنون، زكريا، يحيى.
(انبیاء، ۲۱/۴۸-۹۰)

۲. در این سه سوره که نام اسماعیل در کنار نام ابراهیم ذکر نشده، داستان ابراهیم با پدرش (پدر یا عمو) مطرح است و احتمالاً نخواستہ جریان این طور باشد که «پدر ابراهیم، ابراهیم، اسماعیل» تا بفهماند رابطه ای که بین اسماعیل و ابراهیم وجود دارد، آن رابطه ای نیست که بین ابراهیم و «پدرش» وجود دارد.

۳. در این سوره، نام اسماعیل با پیامبرانی آمده که دارای یک ویژگی هستند.^۴

«و اسماعیل والیسع ویونس ولوطاً وکلا فضلنا علی العالمین» (انعام، ۸۶/۶)

«واسماعیل وادريس وذاکفل کل من الصابرين» (انبیاء، ۲۱/۸۵)

«واذکر اسماعیل والیسع وذاکفل وکل من الاخيار» (ص، ۳۸/۴۸)

اینکه در سوره «ص» نام اسماعیل بعد از اسحاق و یعقوب ذکر شده با وجودی که در موارد دیگر نام اسماعیل قبل از اسحاق و یعقوب آمده، مؤید همین مطلب است که می خواهد نام اسماعیل و آن گروه از انبیاء را که دارای یک ویژگی هستند با هم ذکر کند.

۴. در سوره مریم که اسماعیل را «صادق الوعد» می خوانند، ادريس را پیامبری «صدیق» می نامد، یعنی همان گونه که در سوره انبیاء این دو پیامبر را از صابران دانست، در اینجا آنها را به صداقت می ستاید و موسی را نیز پیامبری مخلص می داند.

«واذکر فی الکتاب موسی انه کان مخلصاً وکان رسولاً نبیاً» (مریم، ۱۹/۵۱)

«واذکر فی الکتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد وکان رسولاً نبیاً» (مریم، ۱۹/۵۴)

«واذکر فی الکتاب ادريس انه کان صدیقاً نبیاً» (مریم، ۱۹/۵۶)

البته در اینجا علاوه بر موسی و ادريس، پیامبرانی به نام موسای مخلص و ادريس صدیق مطرح نکرده اند، آن گونه که علاوه بر اسماعیل، اسماعیل صادق الوعد را مطرح کرده اند.

۵. نکته آخر آنکه در همین سوره مریم می فرماید:

«واذکر فی الكتاب ابراهیم انه کان صدیقاً نبیاً» (مریم، ۴۱/۱۹)

«واذکر فی الكتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد وکان رسولا نبیاً» (مریم، ۵۴/۱۹)

ملاحظه می شود که ابراهیم و اسماعیل - هر دو را - به صداقت ستوده است .

ابراهیم رؤیای صادقه دید: «قد صدقت الرؤیا» (صافات، ۱۰۵/۳۷) و اسماعیل

بر وعده ای که داد: «یا ایت افعل ما تؤمر ستجدنی ان شاء الله من الصابرين» (صافات،

۱۰۲/۳۷) صداقت ورزید .

در داستان «ذبح اسماعیل» وعده دادن آن حضرت در گفتار و «صادق الوعد» بودن در

رفتارش نمودار شده است، در اینجا خداوند «صادق الوعد» بودن را ستوده است .



- ۱ . جلال الدین سیوطی، الاتقان، ۴۳۵/۲ - ۴۴۵، برگردان سید مهدی حائری قزوینی، انتشارات امیرکبیر، چاپ اول، ۱۳۶۳.
- ۲ . علامه طباطبایی، قرآن در اسلام/ ۱۰۰، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ششم، ۱۳۷۳؛ علامه طباطبایی، المیزان، ۲/۱۱، ترجمه موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳ . المیزان، ۱/۵۷۵، ۱۴/۸۶، ترجمه موسوی همدانی.
- ۴ . با الهام از: عبدالعلی بازرگان، نظم قرآن، ۲/۲۷۷، انتشارات قلم، چاپ اول، ۱۳۷۲.